



«ایران» محتوای باینیه اخیر وزارت علوم را با اساتید دانشگاه به بحث گذاشت

«بازنگری در نهاد علم» چگونه امکان پذیر می شود؟

گزارش

الهام یوسفی - رضوانه رضایی پور

گروه سیاسی

وزارت علوم شنبه گذشته بیانیه‌ای صادر و در آن اعلام کرد که با «درک عمیق از ضرورت تحول بنیادین در نظام آموزش عالی»، «اقدام به برداشتن گام‌های مهمی در مسیر اجرای سیاست راهبردی نوین نموده تا بتواند مسیر جهش علمی ایران را هموار سازد.» این بیانیه،

یک روز پس از پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهلّم شهدای جنگ تحمیلی اخیر صادر شد که طی آن، رهبر انقلاب حرکت نخبگان علمی کشور در مسیر جهش علمی و فناوری را به عنوان یک راهبرد برای کشور تعیین کردند. وزارت علوم به عنوان نهاد متولی تحقق این راهبرد، الزاماتی را برشمرده و خود را متعهد به آنها اعلام کرده است. در این بیانیه با اشاره به اینکه «نهاد علم در ایران نیازمند بازنگری» است، برخی از این بازنگری‌ها اینطور بیان شد: بازنگری در کیفیت آموزش و پژوهش، حل چالش‌های حوزه علم و فناوری، تحول در مدیریت منابع انسانی نهاد دانشگاه و بازنگری و بازبینی نقش وزارت علوم در حکمرانی علمی. حتی اگر این بیانیه از سوی وزارت علوم صادر نمی‌شد، در هر صورت جنگ تحمیلی اسرائیل به ایران و استفاده گسترده این رژیم از

فناوری در این جنگ، چنین تحولی را ناگزیر کرد و آن را نه امری تفننی یا مربوط به حوزه سیاست‌گذاری، بلکه امری مربوط به بقا و دوام کشور کرد. اما مسأله این است که تحول در راهبردهای وزارت علوم به عنوان متولی نهاد علم، فقط یک گام ضروری در این باره است. در مقابل، گام‌ها و الزامات دیگری هم وجود دارد. این الزامات که از سوی اساتید دانشگاه‌ها بیان می‌شود، بیانگر ضعف‌ها، کاستی‌ها و شکاف‌های سیاست‌گذارانه‌ای بود که تاکنون در مسیر نهاد علم وجود داشته است. مهم‌ترین این گام‌ها، اداره نهاد علم بر اساس اقتضائات علمی و پژوهشی است، نه هیچ الزام غیرعلمی دیگری. در این صورت، نهاد دانشگاه می‌تواند عقل و علم و دانش را تجربه کند که برای جهش علمی و فناورانه در کشور ضروری است.

۵ راهبرد استفاده از ظرفیت نخبگان در فناوری دفاعی

در مسیر پیشرفت علمی و دفاعی کشور، نخبگان به عنوان سرمایه انسانی راهبردی، نقش محوری در تقویت اقتدار ملی و توسعه فناوری دارند. تبدیل این ظرفیت بالقوه به عقبه‌ای بالفعل در حوزه علم و فناوری دفاعی، نیازمند نظام‌سازی دقیق، فرهنگی، نهادی و فناورانه است. نخست، باید تقویت هویت ملی و دینی نخبگان در صدر سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد. نخبگانی که خود را بخشی از یک مأموریت تاریخی در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین ایرانی-اسلامی بدانند، نسبت به آینده کشور احساس مسئولیت عمیق‌تری خواهند داشت. این هویت، موجب پایداری انگیزه، کاهش میل به مهاجرت و افزایش مشارکت در عرصه‌های حیاتی همچون امنیت، فناوری و تولید قدرت می‌شود. دوم، ضروری است از نگاه صرفاً اقتصادی یا بخش خصوصی محور به نخبگان پرهیز شود. تربیت نخبگان در حوزه دفاعی نیازمند نگاهی وقفی و بلندمدت است؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموختگان برتر، علم و تخصص خود را نه برای منفعت شخصی، بلکه در خدمت منافع راهبردی کشور وقف کنند. الگوی سنتی وقف علمی در تمدن اسلامی می‌تواند الهام‌بخش این رویکرد باشد.

سوم، باید نظامی طراحی شود که مازاد ظرفیت‌های علمی و فناورانه بخش دفاعی را در اختیار بخش غیرنظامی قرار دهد. این انتقال دانش و فناوری نه تنها به توسعه اقتصاد دانش بنیان و تولید ثروت ملی کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش رضایت عمومی، ارتقای اعتماد اجتماعی و تقویت مشروعیت نهاد‌های دفاعی در ذهن جامعه می‌شود. فناوری‌هایی که از دل امنیت برآمده‌اند، می‌توانند مستقیماً زندگی مردم را بهبود بخشند. چهارم، شکل‌گیری پیوند مؤثر میان نهاد‌های دفاعی و دانشگاهی حیاتی است. با الگوبرگیزی از تجربیات موفق کشورهایی مانند آمریکا (DARPA) یا چین، پروژه‌های مشترک می‌توانند نخبگان را به‌صورت نظام‌مند در زنجیره نوآوری دفاعی وارد کنند. این پیوند باید بر مبنای مأموریت‌های فناورانه، اهداف مشخص و حمایت‌های واقعی تعریف شود. پنجم، باید نظام جامع شناسایی، پرورش و هدایت نخبگان با تمرکز بر اولویت‌های راهبردی کشور ایجاد شود. حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، امنیت سایبری، فناوری کوانتومی و زیست‌فناوری، از جمله میادین تعیین‌کننده آینده دفاع و توسعه ملی هستند. در مجموع، با طراحی یک اکوسیستم نخبگانی منسجم، دارای پیوند با نهاد‌های دفاعی، متکی بر هویت ملی و مبتنی بر نگاه وقفی، می‌توان نخبگان را به عقبه‌ای فعال، مؤثر و مولد در خدمت اقتدار علمی و فناوری کشور تبدیل کرد.

دانشگاه: از نهادهای تقلیدی تا موتور محرک پیشرفت تمدنی

تحولات نظری و تاریخی مفهوم دانشگاه بویژه در ایران، بیانگر مسیر پرفراز و نشیبی است که این نهاد طی کرده است. از نگاه نظری، دانشگاه‌ها در ابتدا نهاد‌هایی برای تولید دانش پایه و نظری بودند. اما با گذار به نسل‌های جدید، کارکرد آنها توسعه یافت. نسل سوم دانشگاه‌ها به سمت کارآفرینی و نوآوری حرکت کردند و نسل چهارم، مهارت‌آموزی مادام‌العمر و پیوند با نیازهای اجتماعی را دنبال می‌کند. در این روند، دانشگاه‌ها از مراکز صرفاً آموزشی، به نهاد‌هایی با مسئولیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. اما در ایران، ورود دانشگاه بیشتر با الگوی تقلیدی از جوامع غربی آغاز شد. در دوره پهلوی، دانشگاه به‌عنوان نهادی جدا از بستر فرهنگی و اجتماعی کشور شکل گرفت. این نهاد، نه از دل نیازهای بومی، بلکه با هدف انتقال فرهنگ مدرن و تربیت نخبگان همسو با آن فرهنگ تأسیس شد. در نتیجه، دانشگاه ایرانی در ابتدا نه پیوندی با نهاد‌های علمی سنتی مانند حوزه‌ها داشت و نه کارکردی اصیل و بومی در جامعه ایفا می‌کرد. با وقوع انقلاب اسلامی، قتلایت حاکم بر جامعه دستخوش تحولات بنیادین شد. این تحول، نگرش به دانشگاه را نیز متحول کرد. دانشگاه دیگر نهادی بریده از سوم و مردم نبود، بلکه به تدریج به مرکز تربیت نخبگان متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و نیازهای ملی بدل شد. نقطه عطف این تحول، طرح نهضت نرم‌افزاری و گفتمان تولید علم در اواخر دهه ۷۰ بود که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد. این گفتمان، دانشگاه را به سمت بازسازی زنجیره علم، فناوری، نوآوری و تجاری‌سازی سوق داد و دانشگاه را به موتور محرک اقتصاد دانش بنیان تبدیل کرد. با شکل‌گیری شرکت‌های دانش بنیان، پارک‌های علم و فناوری و نهاد‌های نوآور، دانشگاه توانست نقش مؤثرتری در پیشرفت کشور ایفا کند. با این حال، راه رسیدن به جایگاه مطلوب تمدنی و تحقق جامعه مبتنی بر حیات طیبه، هنوز ادامه دارد. ما نیازمند دانشگاهی هستیم که علم و اخلاق، رفاه و عدالت، اقتصاد و فرهنگ، و انسجام اجتماعی را همزمان دنبال کند. تحولات اخیر، بویژه در بستر جنگ اخیر نشان داد که علم نقش‌ی کلیدی در امنیت ملی دارد. جایگاه دانشمندان در کنار فرماندهان نظامی، نشان داد که علم و فناوری صرفاً ابزاری برای پیشرفت نیستند، بلکه عناصر حیاتی امنیت و اقتدار ملی‌اند. دانشگاه‌های ما امروز دانشمندانی تربیت می‌کنند که علم را جهاد می‌دانند؛ ترکیبی از تخصص، تقوا و تعهد ملی. اکنون وظیفه ماست که با بهره‌گیری از این تجربه‌ها، مسیر تحول دانشگاه را با قدرت بیشتری ادامه دهیم. باید نظام حکمرانی علم و فناوری را متناسب با اقتضائات نوین بازتعریف کنیم. آموزش نخبگان را بر پایه ارزش‌های بومی و نیازهای ملی ارتقا دهیم و دانشگاه را به‌عنوان نهاد پیشران تمدن نوین اسلامی بازسازی کنیم.

دفاع ملی مبتنی بر علم و فناوری است

هنگام طرح ایده نوشتن این سطور، خاطرات پدر را می‌شنیدم. پدر بخشی از زندگی حرفه‌ای را در صنعت نساجی مازندران گذراند. تعریف کرد که در اواخر دهه ۶۰ شمسی، دستگاه‌های نساجی از آلمان و سوئیس وارد می‌شد، یا مهندسان اروپایی به مازندران می‌آمدند. همچنین پدر به عنوان مهندس کارخانه به سوئیس اعزام شد تا دوره‌های آموزشی را بگذراند. نکته جالب در خاطرات پدر، این بود که در دهه ۶۰ هم واردات دستگاه‌های صنعتی از اروپا مقدور بود و هم زمینه تبادل دانش فراهم. امروز شاید تصورش دشوار باشد که یک کارخانه شهرستانی امکان چنین مراداتی را داشته باشد. به مرور زمان ارتباط ما با کشورهای صنعتی کمتر شد و ما به سمت تولید هر چه بیشتر در داخل حرکت کردیم. اما امروز «تمرکز بر تولید همه محصولات در داخل» مسأله‌ای است که باید به آن اندیشید. تقریباً همه کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که مسیر تولید محصول از بستر تعامل با کشورهای دیگری گذرد. اصرار بر نگهداشتن زنجیره تولید در داخل، معمولاً سودآوری کمتری خواهد داشت.

ارتباط این مسأله با جنگ تحمیلی اخیر، این است که دشمن صهیونیستی از ادواتی استفاده کرد که لزوماً ساخته خود آن رژیم نبودند. رژیم اشغالگر نه‌مین صادرکننده بزرگ ادوات جنگی در جهان است، اما در این جنگ از ابزارهایی استفاده کرد که در کشورهای متنوعی ساخته می‌شدند. منظور کشورهای فرانسه، اردن یا آمریکا نیست، بلکه محصولات نظامی است که در اختیار اسرائیل قرار گرفتند. به عنوان مثال، برخی قطعات مهم چنگنده‌های F35 اسرائیل، در هلند تولید و در اختیار این رژیم قرار داده می‌شود. همچنین به دلیل تعامل دشمن صهیونی با کشورهای جهان، فناوری‌های بنیادین دیگری در اختیار آن قرار گرفته که صحبتی از آنها نمی‌شود. از این مسأله دو نتیجه می‌توان گرفت: اول اینکه، ایران در این جنگ، همچون جنگ ۸ ساله، نه با یک کشور بلکه با چند کشور پیشرفته همزمان در حال جنگ بود. دومین نتیجه، اینکه بدون تعامل با دیگر کشورها، توسعه کشور و رقابت با جهان سخت و پرهزینه خواهد بود.

نمی‌توان از صنعتگر انتظار داشت همه اقلام مورد نیاز فناوری را در داخل تولید کند. یا نمی‌توان از یک دانشگاه یا استاد دانشگاه انتظار داشت بدون ارتباط با دانشگاهیان دیگر کشورها با آنان رقابت کند. محدودشدن راه‌های ارتباطی علمی و فناوری زمینه عقب رفت کشور را فراهم خواهد کرد. در آینده کشورهای منطقه مجهز به فناوری‌های متنوع غربی خواهند شد و فاصله ما در ایران با این کشورها در حال زیاد شدن است. تا دیر نشده باید کاری کرد.

بازسازی اعتماد میان دانشگاه و نظام تصمیم‌سازی

تحول علم و فناوری در دانشگاه‌های ایران، بیش از آن که مستلزم سیاست‌گذاری‌های کلان یا تزریق منابع مالی گسترده باشد، به بازسازی بنیادین اعتماد میان دانشگاه و نظام حکمرانی نیاز دارد؛ اعتمادی که طی دهه‌های گذشته فرسایش یافته و امروز در بستر جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، بخش دیگری از این بحران عیان تر شده است. در شرایط اضطرار، همچون جنگ یا تحریم، دولت‌ها به ناگاه به یاد دانشگاه‌ها می‌افتند، دفاع، بازسازی اعتماد یا توسعه فناوری‌ها می‌شوند. حال آن‌که در دوران عادی، دانشگاه در حاشیه است، فاقد نقش مؤثر در تصمیم‌سازی، و تحت فشار دولت هاصرف نظر از جناح پیروز در انتخابات برای تبعیت از گفتمان رسمی همان دولت. نظام مدیریتی اغلب دانشگاه را بیشتر همچون نهادی انزایمند و تابع می‌بیند تا شرکی مستقل و اندیشه‌ورز و همین نگرش، موجب شده تا دانشگاه‌ها نیز از موضعی منفعل یا بی‌اعتماد، خود را به تدریج از مسئولیت‌های واقعی اجتماعی و علمی کنار بکشند.

هر بار پس از یک بحران، رابطه‌ای مبتنی بر فرصت و کوتاه‌مدت میان این دو نهاد پدید می‌آورد؛ بی‌آن‌که به ریشه‌های بی‌اعتمادی متقابل پرداخته شود. از سوی دیگر، خود دانشگاه نیز اغلب از شفافیت، پاسخگویی و استقلال فاصله دارد.

گزینش مدیران بر مبنای وفاداری سیاسی، طرد و در بهترین حالت نادیده گرفتن بدنه انتقادی و پیروی از معادلات بدنه‌ای معیارهای علمی و صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی در محیط دانشگاه، باعث شده دانشگاه نتواند نماینده واقعی جامعه علمی باشد یا از اعتبار فکری و راهبردی لازم برای ایفای نقش در تحولات ملی برخوردار شود. تحول علم و فناوری نیازمند نهاد دانشگاهی است که نه تنها از آزادی و استقلال فکری برخوردار باشد، بلکه بتواند زبان و منطق علم را در برابر زبان سیاست حفظ کند؛ و نیز نیازمند دولتی که علم را برای اقتدار بلندمدت ملی بخواهد، نه برای مقاصد اضطراری کوتاه‌مدت.

بدون این بازتعریف رابطه، برنامه تحول گرایانه در حوزه علم و فناوری، در بهترین حالت به فهرستی از پروژه‌های سیاسی، فناورانه یا رزمی محدود خواهد شد که پس از مدت کوتاهی نیز به فراموشی سپرده می‌شوند. جنگ اسرائیل علیه ایران فرصتی هشداردهنده است تا درک کنیم دانشگاه نمی‌تواند تنها در لحظه بحران، به صحنه تصمیم‌گیری بازگردانده شود. نهاد علم، با فرمان و بخشنامه نمی‌جوشتد و سفارشی نیست؛ باید از دل اعتماد، شفافیت، مشارکت آزاد و استقلال ساختار علمی بجوشتد و تازمانی که دانشگاه در ایران تابعی از معادلات سیاسی باقی بماند و تنها در شرایط اضطرار احضار شود، هیچ تحول پایدار و اصیلی در علم و فناوری رخ نخواهد داد.

امروز همه این نهاد‌ها می‌توانند علم را نه برای کشف حقیقت، برای توجیه تصمیم‌های از پیش گرفته شده سفارش دهند و دانشگاه نیز به‌جای آن‌که مرجع اندیشه‌ورزی مستقل و پیش‌بینی آینده باشد، به حاشیه رانده شده و صرفاً در لحظات بحرانی به‌مثابه نیروی ذخیره به میدان فراخوانده می‌شود. این رابطه یک‌سویه و اقتضایی میان دولت و دانشگاه، نه تنها به تضعیف سرمایه علمی کشور انجامیده، بلکه علم را از جوهره نقادانه تهی کرده است.

مزارع گندم و چای می‌رسد و سردیگران به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت مهم تر دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده‌اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.



همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه تلاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت جنگ کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف مطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به



#دولت_کنار_مردم

